

اثر زکات بر مصرف عمومی در ایران

حشمت اله عسکری*

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۱/۲۳

بهروز بادپا**

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۶/۱۷

چکیده

زکات یکی از واجبات شرعی در اسلام است که در ایران توسط نهادهای دولتی جمع‌آوری و توزیع می‌شود. دریافت و توزیع زکات دارای آثار مختلفی است، به‌ویژه بر مصرف جامعه اثر می‌گذارد و می‌تواند موجب حل مسأله فقر، تأمین نیازهای اساسی نیازمندان و رشد و توسعه اقتصادی شود. بنابراین، در این تحقیق به بررسی اثر توزیع زکات روی مصرف عمومی در ایران پرداخته می‌شود. در این تحقیق از داده‌های ترکیبی در سطح کشور شامل ۳۰ استان از سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۹۰ استفاده شده و تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از مدل اثر ثابت انجام شده است. این تحقیق نشان می‌دهد که توزیع زکات اثر مثبتی روی مصرف عمومی دارد. با این وجود، اثر آن کم و کوتاه‌مدت است. بر اساس تحقیق حاضر توصیه می‌شود که توزیع زکات نباید به نیازهای مصرفی محدود شود بلکه باید شامل انواع کمک‌های مالی باشد که بتواند جریان مستمر درآمد را برای دریافت‌کنندگان زکات ایجاد کند.

واژگان کلیدی

توزیع زکات، مصرف عمومی، داده‌های ترکیبی

* استادیار گروه اقتصاد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول)

h.asgari@mail.ilam.ac.ir

** کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز

behroozaracc@yahoo.com

مقدمه

در حال حاضر در بین مسلمانان سطح آگاهی بیشتری برای مشارکت در پرداخت زکات وجود دارد. زکات از نظر دینی و مذهبی، فقط یک نوع مراسم مذهبی نیست بلکه نقش مهمی را از نظر اجتماعی و اقتصادی برای ضمانت در اجرای عدالت و رفاه اقتصادی عمومی بازی می‌کند. بنابراین، زکات ابزاری برای توزیع مجدد ثروت از ثروتمندان به فقرا است و در قرآن کریم نیز واجب شده است (Suprayitno & et al, 2013, pp.39-40).

در ایران، متصدی امور مربوط به زکات ستاد احیاء زکات کشور است. بر اساس ماده چهارم آیین‌نامه طرح احیاء زکات، به منظور سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هماهنگی، هدایت، نظارت و رفع مشکلات اجرایی، ستادی در مرکز به عنوان ستاد احیای زکات تشکیل می‌شود. بر این اساس، نماینده مقام معظم رهبری در ستاد اقامه نماز و احیای زکات، رئیس ستاد و سرپرست کمیته امداد امام خمینی (ره) کشور، قائم مقام رئیس ستاد می‌باشد. به منظور سازماندهی مکاتبات و سوابق، دبیرخانه ستاد به طور متمرکز در کمیته امداد امام خمینی (ره) تشکیل می‌گردد.

بر اساس ماده پنجم آیین‌نامه ستاد احیای زکات، در هر استان نماینده محترم مقام معظم رهبری و امام جمعه مرکز استان و یا روحانی برجسته استان رئیس ستاد استان، استاندار محترم استان به عنوان قائم مقام و عضو ارشد ستاد و مدیرکل محترم کمیته امداد امام خمینی (ره) استان نیز، به عنوان دبیر ستاد و مدیر اجرایی تعیین می‌شود.

بر اساس ماده ششم آیین‌نامه ستاد احیای زکات در هر شهرستان یا بخش یا دهستان، امام جمعه محترم شهرستان و یا روحانی متنفذ برجسته، رئیس ستاد و فرماندار، بخشدار یا دهدار قائم مقام و عضو ارشد ستاد و رئیس کمیته امداد شاخه نیز، به عنوان مسئول اجرایی و دبیر ستاد تعیین می‌شود. بنابراین، پیگیری امور ستادی و اجرایی طرح با رئیس کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان می‌باشد. عاملین زکات به تشخیص و حکم کمیته امداد امام خمینی (ره) انجام وظیفه خواهند نمود و این حکم به صورت مدت‌دار صادر خواهد شد.

ماده هشتم آیین‌نامه ستاد احیای زکات به موضوع جمع‌آوری زکات می‌پردازد و بر اساس آن، به منظور حسن عملیات اجرایی و حفظ اعتماد مردم، کمیته امداد امام

خمینی(ره) موظف است در قبال اخذ اقلام مشمول زکات نسبت به صدور رسید به زکات‌دهندگان اقدام نماید. اقلام غیرنقدی جمع‌آوری شده توسط کمیته امداد امام خمینی(ره) باید با انجام صورت‌جلسه فروش تبدیل به وجه شده و وجوه حاصله به حساب مربوطه واریز گردد. همچنین براساس این ماده، اولویت فروش محصولات با مبادی رسمی خرید مانند شرکت‌های تعاونی روستایی، سازمان غله و... خواهد بود. چنانچه سازمان‌های رسمی خریدار اقلام جمع‌آوری شده نباشند، اقلام مذکور توسط معتمدین محل طی صورت‌جلسه‌ای با حضور عامل جمع‌بندی زکات به بالاترین قیمت فروش و وجه آن به حساب مربوط واریز می‌گردد.

ماده نهم آیین‌نامه ستاد احیای زکات به مصرف زکات می‌پردازد و براساس آن، کمیته امداد امام خمینی(ره) باید درآمد حاصله را مطابق فتاوی‌ حضرت امام خمینی(ره) و رساله‌های مراجع مشهور و با رعایت اولویت‌بندی‌های منطقه هزینه نماید. تأمین هزینه‌های جمع‌آوری، ابزار و لوازم مورد نیاز، حمل و نقل، دستمزد عاملین و... از محل درآمدهای حاصله خواهد بود و هزینه‌ها نباید از یک‌هشتم درآمدها بیشتر باشد. همچنین، حسب نیازهای اجتماعی و اقتصادی مراجعین، دفاتر ائمه جمعه و جماعات فعال در طرح احیاء زکات کمیته امداد امام خمینی(ره) تا میزان ۱۵ درصد درآمدها را در اختیار امام جمعه قرار داده تا در امور فرهنگی هزینه نماید.

توزیع زکات توسط نهادهای مربوط، به‌طور خاص بین فقرا و دریافت‌کنندگان نیازمند صورت می‌گیرد و اغلب به کمک و حمایتی برای رفع نیاز و مصرف فعلی آنان شباهت دارد. از بین انواع زکات پرداخت‌شده در کمک به مصرف‌کنندگان، می‌توان به جیره غذایی، کمک مالی و غیره اشاره کرد. زکاتی که بین فقرا و نیازمندان توزیع می‌شود، در واقع درآمدهای اضافی است که به این گروه از مردم اعطا می‌شود و آن‌ها به‌صورت مستقیم قدرت خرید اضافی را به‌دست می‌آورند. بنابراین اثر اولیه پرداخت زکات در سطح کلان، افزایش قدرت خرید دریافت‌کنندگان زکات از طریق توزیع زکات است. از لحاظ نظری، میل نهایی به مصرف فقرا نسبت به میل نهایی به مصرف ثروتمندان زیادتر است به این معنی که اگر فقرا این کمک‌های مالی اضافی را دریافت کنند، بخش اعظم یا احتمالاً همه آن برای صرف کالاهای ضروری و پایه‌ای مورد

استفاده قرار می‌گیرد. برای مثال، توزیع زکات و اموال در زمان فرا رسیدن ایام معینی از سال، قدرت خرید فقرا و نیازمندان را افزایش می‌دهد و تقاضا برای کالاهای ضروری افزایش می‌یابد. این موضوع اثر توزیع زکات روی مصرف، به‌خصوص در مصرف کالاهای اساسی را نشان می‌دهد. بنابراین، در تحقیق حاضر اثربخشی توزیع زکات بر مصرف در ایران بررسی می‌شود.

۱. مبانی نظری تحقیق

زکات مطابق فقه شیعه و فتوای مشهور فقها بر نه چیز یعنی طلا، نقره، شتر، گاو، گوسفند، گندم، جو، خرما و کشمش واجب شده است (البروجردی، ۱۳۹۹ق، ج ۸). موارد متعلق زکات دارای شرایط خاص است. به‌طور مثال، محصولات زراعی باید از حد نصاب معین بیشتر بوده و زراعت هنگام تعلق زکات در ملک مؤدی باشد و یا حیوانات علاوه بر نصاب معین باید از مراتع طبیعی در طول سال استفاده کنند. بنابراین دامداری‌های صنعتی و یا دام‌هایی که به‌صورت دستی تغذیه می‌شوند، مشمول زکات نیستند. همچنین طلا و نقره علاوه بر حد نصاب باید مسکوک رایج باشند. بنابراین مطابق شرایط مذکور، موارد تعلق زکات عمدتاً شامل محصولات زراعی می‌شود. البته در فقه اهل سنت موارد متعلق زکات گسترش داده شده است. به‌طور مثال، الجزیری موارد تعلق زکات را چارپایان (شتر، گاو و گوسفند)، طلا و نقره هرچند غیرمسکوک باشد، مال‌التجاره، معدن و رکاز (کنز) و زراعات و میوه بر می‌شمرد. القرضاوی از مجتهدین معاصر حتی درآمدهای املاک، صنایع و مشاغل را نیز مشمول زکات می‌داند (گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۶).

موارد مصرف زکات در آیه ۶۰ سوره مبارکه توبه بیان شده است و بر اساس آن، زکات باید برای فقرا، مساکین، مأموران زکات، دل‌بدست آورده‌شدگان، آزادی‌بندگان، وام‌داران، در راه خدا و در راه‌ماندگان مصرف شود. براساس این آیه، مستحقین دریافت زکات به هشت گروه طبقه‌بندی شده‌اند.

مهم‌ترین مورد مصرف زکات فقرا و مساکین هستند (گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۶). فقیر شرعی کسی است که هزینه سالانه خود و خانواده‌اش را ندارد و غنی

شرعی برعکس او است. بنابراین کسی که کشتزار و ملک یا مستغلات یا چارپا (یا ماشین) و مانند آن‌ها را دارد که کفایت هزینه زندگی خودش و خانواده‌اش را می‌کند، جایز نیست زکات دریافت کند. بدهکاران از جمله مستحقین زکات هستند و کسانی هستند که بدون اسراف و معصیت بدهکار شده‌اند و توان پرداخت آنرا ندارند، اگرچه مخارج سال خودشان را داشته باشند. بین اقسام بدهی هم فرقی نیست و شامل قرض یا قیمت کالا یا ضمان مال و مانند آن می‌شود (الطباطبائی الیزدی، ۱۳۶۳، صص ۳۰۶-۳۰۷). مساکین هم کسانی هستند که وضعشان از فقرا بدتر است یعنی نیازشان بیشتر است.

مورد مهم دیگر مصرف زکات، فی سبیل‌الله است. سبیل‌الله تمام راه‌های خیر مانند ساختن پل، مدارس، مهمانسرا، مساجد و تعمیر آن‌ها، آزاد کردن مؤمنین از دست ظالمان مانند هر مصلحتی از جمله اصلاح بین چند نفر، دفع وقوع شرارت‌ها و فتنه‌ها بین مسلمانان و همچنین کمک به حجاج و زائران و بزرگداشت علماء در صورت عدم تمکن آن‌ها برای حج و زیارت را شامل می‌شود. البته ابوحنیفه، شافعی و مالک از امامان اهل سنت معتقدند که فی سبیل‌الله فقط به مجاهدان اختصاص دارد و احمد حنبل معتقد است که شامل حج می‌شود و می‌توان زکات را در حج مصرف کرد. تقسیم و توزیع زکات بر تمام موارد هشت‌گانه واجب نیست، بلکه جایز است تمام آنرا به یکی از موارد اختصاص داد. بنابراین اگر مصلحت جامعه اسلامی به‌ویژه فقرا در این باشد که وجوه زکات را صرف تأسیس مدرسه یا بیمارستان کرد این امر از باب فی سبیل‌الله بلامانع است (گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۸۵، صص ۱۰۷-۱۰۸).

درباره نقش حکومت اسلامی در مورد امر زکات ابتدا باید به این موضوع اشاره شود که به نظر بسیاری از فقها، زکات بهتر و در شرایطی واجب است که در اختیار فقیه جامع‌الشرایط باشد به‌طور مثال، به نظر امام خمینی (ره) افضل بلکه احتیاط (مستحب) آن است که در زمان غیبت، زکات را به فقیه بدهند خصوصاً وقتی که فقیه آنرا مطالبه کند؛ زیرا او به موارد مصرف آن آشناتر است؛ اگرچه اقوی آن است که دادن آن به فقیه واجب نیست، مگر وقتی که حکم کند که به خاطر مصلحت اسلام و

مسلمین به او بپردازند که در این صورت پیروی از او واجب است، هر چند مقلد او نباشد (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۸۸).

عسکری (۱۳۸۰) با استفاده از آیات، روایات و آرای فقها، تولی امر زکات را به دلایل زیر به عهده امام المسلمین و حکومت اسلامی می‌داند: در آیه ۱۰۳ سوره مبارکه توبه اخذ زکات بر پیامبر (ص)، به عنوان امام المسلمین واجب شده است. ایشان نیز بنا بر گواهی تاریخی، به اعزام ساعات و دریافت زکات اقدام کردند. پس از ایشان نیز در میان خلفا، این عمل ادامه یافت. در عصر غیبت کبری، با توجه به مقام نیابتی که برای فقهای جامع‌الشرائط از سوی ائمه اطهار (ع) در نظر گرفته شده، به نظر می‌رسد که در صورت تشکیل حکومت اسلامی و تولی آن از سوی فقهای مذکور، تولی امر زکات با آنان باشد؛ زیرا طبق مضمون روایات، آنان نسبت به مواضع زکات آگاه‌ترند. علاوه بر این، با توجه به مصارف زکات از جمله: «مؤلفه قلوبهم» و «عاملین علیها» کاملاً روشن است که توزیع زکات در این اصناف، جز از سوی امام المسلمین مقدور نخواهد بود. همچنین، از جمله اصناف مصارف زکات، «فی سبیل‌الله» است. بدیهی است که تعیین مصادیق آن، جز به وسیله حکومت اسلامی میسر نیست؛ چرا که مصادیق آن با توجه به شرایط، از جمله زمان و نیز اوضاع و احوال سیاسی اجتماعی جهان اسلام، تعیین می‌شود (عسکری، ۱۳۸۰، صص ۱۱۴-۱۱۵).

ستاد احیای زکات کشور در نظام جمهوری اسلامی ایران، در راستای احیای این سنت و واجب الهی با کسب اجازه از ولی امر مسلمین و مراجع عظام تقلید، نسبت به جمع‌آوری زکات مردم مسلمان و مؤمن و توزیع آن بین اقشار محروم جامعه اقدام نموده است. بنابراین، پیش‌فرض تحقیق حاضر این است که زکات در اختیار ولی امر مسلمین قرار دارد و با توجه به ساختار مذهبی کشور که شیعه و سنی را شامل می‌شود، زکات حداقل بر موارد نه‌گانه واجب می‌شود. همچنین، وجوه دریافتی زکات نیز عمدتاً مطابق فتاوی‌ای امام خمینی (ره) و فقهای مشهور مصرف می‌شود، که به‌طور مشخص در ماده نهم آیین‌نامه ستاد احیای زکات کشور به آن اشاره شد.

در اسلام، مصرف به منظور افزایش عبادت و ایمان به خدا برای کسب پیروزی و سعادت در جهان آخرت یعنی رستگاری انجام می‌شود که هر یک با صرف ثروت و

پول برای جامعه انجام می‌شود. مصرف در اسلام مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی اسلام از قبیل مصرف کالاهای حلال یا مشروع و خوب، کالاهای احتیاطی^۱، غیرتجملی، جلوگیری از قرض بدون تنگ‌نظری و حساست است (Qardhawi, 1997). این دیدگاه با فعالیت‌های عرفی و مرسوم مصرف متفاوت است از این جهت که به اعتقاد هیکس و آلن (Hicks & Allen, 1934, pp.52-76)، در اقتصاد سنتی افراد سعی می‌کنند با استفاده از درآمدهایشان، نیازهای خود را برطرف کنند و با مصرف، حداکثر رضایت‌مندی را برای خود ایجاد کنند.

تأمین سطوح مختلف نیازها در اسلام نیز، به‌طور سلسله‌مراتبی انجام می‌شود. همانطوری که ماسلاو (Maslow, 1943, pp.370-396) اظهار کرد، در ابتدا نیازهای اساسی یا ساختاری تأمین می‌شود، سپس نیاز امنیت و سلامت، تعلق‌پذیری (خانواده) و محبت برطرف می‌شود، سپس نیازهای احترام به نفس و بالاترین سطوح نیازها، نیازهای خود شکوفایی تأمین می‌شود. در اسلام این موضوع متفاوت است، ممکن است که یک فرد مسلمان احساس خشنودی و رضایت کند به این امید که خداوند برای انجام کارهای خیر به او پاداش می‌دهد. عقیده ماسلاو به عقاید امام‌الغزالی و امام‌الستیزی شباهت دارد که هر دو با اهداف انسانی اسلام در زندگی موافق هستند. به اعتقاد آن‌ها هر چیزی که شخصی را برای کسب اهدافش در زندگی حمایت کند، رفاه اجتماعی آن شخص را افزایش خواهد داد و این افزایش مصالح نامیده می‌شود. اگر چیزی رفاه اجتماعی شخص را کاهش دهد، این کاهش مفاسد نامیده می‌شود. همچنین، در شکل‌گیری تابع رفاه اجتماعی، آن‌ها موضوعاتی که می‌توانند رفاه اجتماعی را افزایش دهند در سه گروه طبقه‌بندی می‌کنند: ضروریات (نیازهای اساسی)، حجیات (اسباب راحتی) و تحسینات یا کاملیت (ثروت) (Suprayitno & et al, 2013, p.44)

ضروریات، همه نیازهای اساسی که برای مطابقت زندگی شخص با دین اسلام لازم است را شامل می‌شود، مانند دین و مذهب، زندگی، تفکر، فرزند و دارایی. حجیات، امور رفاهی را شامل می‌شود که الزاماً برای حفظ پنج موضوع ضروری مذکور اساسی نیستند. در ضمن تحسینات عوامل زندگی هستند که نماد ثروت شخص است. همچنین می‌توان گفت که نیازهای اساسی (ضروریات) شامل غذا، لباس، سرپناه و

دیگر چیزهایی است که برای افراد ضرورت دارد، بدون این که چیزی را تلف کنند یا خساست به خرج دهند، نیازهایی که واقعاً وجود دارند.

علاوه بر این، پژوهشگران اقتصاد اسلامی مانند منان (Manan, 1989) و مصلح‌الدین (Muslehuddin, 1970, pp.74-94) مفهوم کالاهای ضروری را که برای استفاده اولویت دارند، شرح داده‌اند. اولویت‌بندی آن‌ها در سه سطح طبقه‌بندی شده است: نیازهای اساسی، اسباب راحتی و کالاهای لوکس و تجملی.

افضل‌الرحمان (Afzal ur Rahman, 1974) چهار سطح را معرفی می‌کند شامل کالاهای ضروری، الزامات کارهای مهارتی، اسباب راحتی و کالاهای لوکس. دیدگاه مشابهی در سال ۱۹۸۷ توسط صادق (Sadeq, 1987) ایجاد شد که در ۵ سطح اولویت‌ها را معرفی کرده است: ضروریات معیشت، ضروریات پایه‌ای و اساسی، اسباب راحتی، کالاهای لوکس و اجناس مضر و خطرناک. با این وجود، همه این پژوهشگران نشان دادند که بالاترین نیازها شامل کالاهای اساسی و اسباب راحتی هستند.

این دیدگاه با مباحث حسن‌البنا (Hasan AlBanna, 1997, pp.387-409) هم‌جهت است که اعتقاد دارد قلمرو اقتصاد اسلامی درباره نیازها در مقایسه با اقتصاد سنتی وسیع‌تر است، به این دلیل که اقتصاد اسلامی در جهت لذت‌های مادی یعنی موضوعات دارای ماهیت فیزیکی نیست بلکه بسیار بزرگتر و بیشتر از لذت‌های مادی است و به جایگاه انسان به عنوان بنده خدا مربوط است که در صورت وجود این ارتباط، اگر نیازهای ضروری انسان برطرف شود، انسان می‌کوشد سایر نیازهای خود را برطرف کند که می‌تواند هم رضایت جسمی و هم رضایت غیرجسمی به عبارتی رضایت روحی خود را از طریق کارهای خوب و شریف مانند پرداخت زکات، صدقات و خیرات، انفاق و بخشش فراهم کند و حتی سایر دستورات اسلام مانند حج را در صورت تمایل انجام دهد.

نحوه دریافت زکات و موارد مصرف زکات نیز در تحقیقات مختلف کشورهای اسلامی مورد بحث قرار گرفته است و پیشنهاد شده که اگر دریافت‌کنندگان زکات علاوه بر دریافت زکات برای مصارف پایه‌ای به شکل جیره غذایی و کمک مالی، دیگر روش‌های مساعدت مانند کمک آموزشی برای بچه‌ها، کمک مالی برای شهریه مدرسه

بچه‌ها، کمک در اجاره خانه، کمک‌هزینه دانشجویی، وام دانشجویی، کمک‌های ریز به شکل اضطراری و کمک به اسباب معیشت دیگر همانند صورت‌حساب آب و برق، جرائم دادگاهی پرداختنی و غیره را دریافت کنند، این شیوه توزیع زکات رویکرد مناسبی خواهد بود یعنی اگر کمک‌های مالی ماهانه کاهش یابد و به شکل کمک‌های توزیع شود که می‌تواند مانند ابزار کار، سرمایه ایجاد کند.

این رویکرد مبتنی بر روایتی از پیامبر(ص) است که انس بن مالک آن را روایت کرده است. این روایت درباره جوانی از انصار است که در طلب غذا به دیدار پیامبر(ص) آمده بود، پیامبر(ص) کالاهایی که متعلق به آن جوان بودند را به دو درهم فروخت و به او گفت به میزان یک درهم غذا برای خانواده‌ات بخر و با آن یک درهم دیگر تبری بخر و نزد من بیا، سپس جوان که یک تیر خریده بود نزد پیامبر(ص) آمد، پیامبر(ص) به او خوشامدگویی کرد و دستانش را محکم فشرد و فرمود: این تیر را بگیر و به جستجوی هیزم و چوب برو سپس آن چوب‌ها را بفروش و تا ۱۵ روز دیگر نزد من نیا. انصار روایت کردند که با راهنمایی‌های پیامبر(ص) پس از ۱۵ روز آن جوان دوباره نزد پیامبر(ص) آمد در حالی که ۱۰ درهم نیز بدست آورده بود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۵۲).

این نوع تلاش برای کسب و کار باید مورد تشویق قرار بگیرد و کمک مالی فراهم شده باید برای شروع کسب و کار جدید و یا توسعه کسب و کار فعلی به کار گرفته شود، چون فقرا و نیازمندان حتماً توانایی کار سخت را دارند به این امید که آن‌ها نمی‌خواهند بقیه عمرشان را فقیر باقی بمانند و نمی‌خواهند که نسل و فرزندان آن‌ها نیز مانند خودشان فقیر و نیازمند باشد. علاوه بر این، نباید طوری به فقرا و نیازمندان نگاه کرد که آن‌ها توانایی شروع کسب و کار جدید و یا توسعه کسب و کار فعلی خود را ندارند. این گروه حق و صلاحیت کمک‌های سرمایه‌ای لازم برای آغاز و یا توسعه تلاش‌های کارآفرین را دارند و باید طوری تأمین شوند که زندگی بهتری داشته باشند، همانطوری که در شکل ۱ نشان داده شده است.

مالی لازم برای آن‌ها فراهم شده باشد و نظارت و بررسی‌ها صورت گیرد تا اطمینان حاصل شود کمک‌های سرمایه‌ای فراهم شده فقط برای اهداف مورد نظر و نه چیز دیگری مورد استفاده قرار گرفته است. این رویکرد موجب کاهش تعداد محرومان، فقرا و بیکاران خواهد شد.

جدای از آن، اگر فقرا و محرومان مهارت‌هایی را داشته باشند چون سرمایه‌ای ندارند، بیکاری افزایش می‌یابد. بنابراین، وجوه زکات را می‌توان بصورت کمک‌های سرمایه‌ای بین این گروه توزیع کرد. کنترل و نظارت برای اطمینان از استفاده صحیح کمک‌های مالی فراهم شده باید صورت گیرد.

افزایش سرمایه‌گذاری اثر فزاینده‌ای مانند کاهش بیکاری و افزایش عرضه و تقاضای کالاها را به دنبال خواهد داشت. با افزایش عرضه و تقاضای کالاها، منافع کسب شده توسط سرمایه‌گذاران در بلندمدت افزایش خواهد یافت و این اثر فزاینده بر روی تغییر وضعیت دریافت‌کنندگان زکات اثر می‌گذارد به طوری که آن‌ها خود تبدیل به پرداخت‌کننده زکات می‌شوند. تغییر وضعیت دریافت‌کنندگان زکات به پرداخت‌کننده، موجب افزایش استانداردهای زندگی خواهد شد.

هدف اصلی توزیع زکات در واقع هم همین است که وضعیت دریافت‌کنندگان زکات به پرداخت‌کننده زکات تغییر یابد و استانداردهای زندگی ارتقا یابد. وجوه زکات به‌طور مداوم گردش خواهد داشت و صفر نمی‌شود اما رشد بیشتری پیدا می‌کند تا فقر و بیکاری را کاهش دهد.

مطابق فرضیه درآمد مطلق کینز^۱ (Keynes, 1936)، تغییر در مصرف، به درآمد مطلق بستگی دارد (درآمد قابل مصرف جاری). با هرگونه تغییر درآمد، مصرف در همان جهت تغییر پیدا می‌کند اما این تغییر مقدار کمتری دارد. به عبارت دیگر، میل نهایی به مصرف از عدد ۱ کمتر است. کینز همچنین معتقد است که میل نهایی به مصرف از میل متوسط به مصرف کوچکتر است به این معنی که هرگاه درآمد افزایش یابد، مصرف بر حسب کل درآمد کاهش می‌یابد.

بنابراین، در این تحقیق از فرضیه درآمد مطلق کینز استفاده شده است چون به مدل مصرف در اقتصاد اسلامی نزدیک‌تر است. علاوه بر این تحلیلی از دو گروه

مصرف‌کننده این تحقیق را ارائه می‌کند یعنی یک گروه از مصرف‌کنندگان که در پرداخت زکات مشارکت می‌کنند و درآمدهای قابل مصرف بالاتری دارند و گروه دیگر که دریافت‌کنندگان زکات هستند و درآمدهای قابل مصرف کمی دارند.

۱-۱. زکات و مدل کینز برای مصرف عمومی

بر اساس مباحث سوسامتو (Susamto, 2002, pp.13-14)، این مبحث باید با مفروضات زیر آغاز شود:

۱. زکات بر همه درآمدها، مؤسسات بازرگانی و سرمایه‌گذاری‌های تحت تملک افراد یا شرکت‌ها تحمیل می‌شود.

۲. پرداخت زکات مؤسسات بازرگانی بسیار بیشتر است و بخش اعظم از درآمد ملی را شامل می‌شود.

۳. نهضت مبلغین مذهبی و اطلاع‌رسانی زکات بسیار عظیم است به این اندازه که بر هر مسلمان واجب است زکات خود را پرداخت کند و خواهان پرداخت زکات هم باشد.

۴. نسبت زکات جمع‌آوری شده ثابت است و مقدار آن یک نسبت معین از درآمد ملی است.

۵. فرد مستحق که زکات را دریافت می‌کند دارای یک میل نهایی به مصرف است که به‌طور قابل توجهی از فرد پرداخت‌کننده زکات بیشتر است.

۶. هنگامی که زکات توسط فرد زکات‌دهنده پرداخت می‌شود آن مبلغ زکات، از درآمد مشمول مالیات فرد کم می‌شود در حالی که مستحق که زکات دریافت می‌کند زکات دریافتی مشمول مالیات نمی‌شود و از پرداخت مالیات معاف است.

بر اساس نظرات احمد (Ahmad, 1987, p.15)، متوالی (Metwally, 1995, p.49) و سوسامتو (Susamto, 2002, pp.13-14) فرض می‌شود که در این اقتصاد درآمد کل، معادل تولید کل است و در معادله‌ای به شرح زیر بیان می‌شود:

$$Y = C \quad (۱)$$

$$C = a + bY \quad (۲)$$

که در آن C مصرف، Y درآمد و a و b هم مقادیر ثابت هستند به طوری که $a > 0$ و $0 < b < 1$.

در اقتصاد اسلامی، مصرف کلان شامل دو نوع متمایز است یعنی مصرف پرداخت کننده زکات (مزکی) و مصرف مستحق (دریافت کننده زکات). بنابراین معادله مصرف در اسلام به شرح زیر است:

$$C = c + aY_a^d + bY_b^d \quad (۳)$$

که در آن a میل نهایی به مصرف پرداخت کننده زکات، b میل نهایی به مصرف مستحق (دریافت کننده زکات) و Y_a^d و Y_b^d درآمد قابل مصرف هر یک از شخصیت های اقتصادی را نشان می دهند.

پرداخت کننده زکات نسبت معینی از درآمد ملی را به خود اختصاص می دهد یعنی mY مقدار باقیمانده یعنی $(1-m)$ متعلق به فرد مستحق زکات است و zY به نرخ زکات پرداختی تعلق دارد و vY به نرخ انفاق و صدقه تعلق دارد. بنابراین تابع اقتصادی به شرح زیر خواهد بود:

$$C = c + aY_a^d + bY_b^d$$

که در آن:

$$Y_a^d = mY - zY - vY \quad (۴) \text{ برای پرداخت کننده زکات}$$

$$Y_b^d = (1-m)Y + zY + vY \quad (۵) \text{ برای دریافت کننده زکات}$$

از معادله ۳، ۴ و ۵ می توان معادلات زیر را استخراج کرد:

$$C = c + aY_a^d + bY_b^d$$

$$C = c + a(mY - zY - vY) + b[(1-m)Y + zY + vY] \quad (۶)$$

$$C = c + amY - azY - avY + bY - bmY + bzY + bvY \quad (۷)$$

بر اساس مدل کینز (Keynes, 1936)، تابع مصرف، نظریه مرکزی نوسانات اقتصادی است و این تئوری در تحلیل های اقتصاد کلان تا این تاریخ نقش مهمی را بازی کرده است. مفروضات مدل کینزی درباره تابع مصرف را می توان به شرح زیر بیان کرد:

۱. میل نهایی به مصرف بین عدد ۰ و ۱ است.

۲. نسبت مصرف به درآمد یا میل متوسط به مصرف در زمان افزایش درآمد، کاهش می‌یابد.

۳. هنگامی که نرخ بهره نقش مهمی ایفا نمی‌کند، درآمد یک عامل تعیین‌کننده مهم برای مصرف است (Sachs & Larrain, 1992; Branson, 1989 & Mankiw, 2000) بر اساس این سه فرضیه، تابع مصرف را می‌توان به شرح زیر نوشت:

۲-۱. تابع مصرف خطی در اقتصاد سنتی

در اقتصاد سنتی که نه زکات وجود دارد و نه مالیات ($T=Z=0$) کاربرد تابع مصرف در معادله شماره (۳) نشان داده شد یعنی:

$$C = a + bY$$

بر همین اساس، میل متوسط به مصرف به شرح زیر است:

$$APC = \left(\frac{C}{Y}\right)_{T=Z=0} = \frac{a}{Y} + b \quad (۸)$$

و میل نهایی به مصرف نیز به شرح زیر است:

$$MPC = \left(\frac{dC}{dY}\right)_{T=Z=0} = b \quad (۹)$$

۳-۱. تابع مصرف خطی در اقتصاد اسلامی

تابع مصرف در اقتصاد اسلامی بر اساس معادله شماره (۷) است که در آن:

$$C = c + amY - azY - avY + bY - bmY + bzY + bvY$$

بنابراین معادلات میل متوسط به مصرف و میل نهایی به مصرف به شرح زیر استخراج می‌شوند:

$$APC = \left(\frac{C}{Y}\right)_{Z+F>0} = \frac{c + amY - azY - avY + bY - bmY + bzY + bvY}{Y} \quad (۱۰)$$

$$= \frac{c}{Y} + am - az - av + b - bm + bz + bv$$

$$MPC = \left(\frac{dC}{dY}\right)_{Z+F>0} = am - az - av + b - bm + bz + bv \quad (۱۱)$$

با توجه به معادلات ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱ مشخص می‌شود که بین تابع مصرف اقتصاد سنتی و تابع معرف اقتصاد اسلامی تفاوت وجود دارد که در معادلات زیر بیان می‌شود:

$$\left(\frac{C}{Y}\right)_{Z>0} > \left(\frac{C}{Y}\right)_{t=z=0} \quad (۱۲)$$

$$\left(\frac{dC}{dY}\right)_{Z>0} > \left(\frac{dC}{dY}\right)_{t=z=0} \quad (۱۳)$$

با توجه به معادلات ۱۲ و ۱۳ مشخص می‌شود که مصرف اقتصاد اسلامی پس از معرفی و ایجاد سیاست مالی زکات در مقایسه با مصرف سنتی قبل از زکات بیشتر است به این معنا که زکات می‌تواند مصرف را افزایش دهد.

دلیل چنین موضوعی این است که میل نهایی به مصرف فقرا نسبت به میل نهایی به مصرف ثروتمندان بیشتر است. اساساً یک فقیر در طی دوره زمانی که درآمدی ندارد یا درآمد بسیار کمی دارد یا فامیل‌هایش درآمد پایینی دارند از نظر روحی سعی می‌کند خود را در سطح مشابهی از افراد هم‌شان خود قرار دهد. آن‌ها احساس می‌کنند که مجبورند از همه درآمدشان برای اهداف مورد نظر خود استفاده کنند. این موضوع نشان می‌دهد که توزیع زکات به صورت نقدی بلافاصله برای اهداف مصرفی خرج می‌شود. دریافت‌کنندگان زکات از همه درآمد خود از محل زکات فقط برای تأمین نیازهای اساسی خود استفاده می‌کنند. در مورد پرداخت‌کنندگان زکات موضوع برعکس است چون به دلیل میل نهایی به مصرف پایین‌تر این گروه، آن‌ها می‌توانند بخشی از درآمدشان را پس‌انداز کنند یا آنرا سرمایه‌گذاری کنند و یا در مسیر الهی مانند زیارت، عمره، صدقه و خیرات، وقف و غیره خرج کنند.

به اعتقاد صدیقی (Siddiqi, 1988) و قحف (Kahf, 1999) با زکات میل متوسط به مصرف و میل نهایی به مصرف در کوتاه‌مدت کاهش پیدا می‌کنند در حالی که این کاهش در اقتصاد اسلامی در مقایسه با کاهش در اقتصاد سنتی که چنین سیاست مالی مشابهی را بکار نمی‌گیرد، کمتر است. اما در بلندمدت، نرخ مصرف عمومی در اقتصاد اسلامی افزایش خواهد یافت چون استانداردهای زندگی دریافت‌کنندگان زکات رشد می‌کند. بنابراین، تقاضا برای کالاهای ضروری به صورت خطی با افزایش استانداردهای زندگی دریافت‌کنندگان زکات افزایش می‌یابد. با این وجود، اسلام به استفاده معتدل و متوسط یعنی میانه‌روی توصیه می‌کند و نه اسراف و تبذیر. علاوه بر این، با افزایش اعتقاد به زندگی پس از مرگ بین مسلمانان، تأثیر زکات موجب می‌شود که یک افزایش متوازن و پایدار مصرف در دوره بلندمدت ایجاد شود.

۲. پیشینه تحقیق

روابط نظری بین مصرف زکات و مصرف عمومی در این تحقیق ارائه شده است و در این جا پیشینه تحقیق به طور خلاصه مورد بحث قرار می گیرد. در بین تحقیقات مختلف، برخی از آن ها، تحقیقاتی هستند که بر روی تحلیل های ویژه اثر زکات بر کاهش فقر متمرکز شده اند.

لاجوردی (۱۳۷۱) به بررسی نقش زکات در نظام اقتصاد اسلامی پرداخته است و کلیاتی درباره زکات و منابع و مصارف زکات و نقش حکومت اسلامی در مسأله زکات بیان نموده است. سپس نتیجه گیری کرده است که اسلام برای کم کردن شکاف موجود بین زندگی طبقات فقیر و غنی، سهمی از اموال مازاد بر احتیاج افراد غنی را به نام زکات و به عنوان عبادت در اختیار افراد فقیر قرار می دهد و عامل ایمان را عامل مهمی در ایجاد انگیزه پرداخت زکات معرفی می نماید.

مولایی (۱۳۷۱) در پایان نامه خود تحت عنوان «ملاحظاتی پیرامون ابزارها و سیاست های توازن ثروت در سیستم اقتصادی اسلام»، ضمن بیان مفهوم واقعی ملکیت در اسلام و تشریح قوانین و چارچوب آن نتیجه گیری می کند که مالیات های اسلامی دارای اثر کاملاً مثبت بر تولید و مصرف هستند و قادرند تعادل و توازن ایجاد کنند، که یکی از انواع مالیات ها زکات است و بر نقش تشکیلات و سازمان در جمع آوری زکات تأکید می کند.

ثامنی کیوانی (۱۳۷۷) به بررسی میزان درآمدهای بالقوه حاصل از پرداخت زکات پرداخته است. هدفی که او در تحقیق خود دنبال کرده، این مسأله است که زکات تا چه حد در اداره امور حکومتی به دولت کمک می کند. وی به محاسبه درآمدهای بالقوه حاصل از زکات (با فرض انحصار در موارد نه گانه) پرداخته، و به این نتیجه رسیده است که زکات تنها ۱/۶ درصد از مخارج دولت را تأمین می کند و بنابراین نمی تواند منبع مناسبی برای درآمدهای دولت باشد. از ویژگی های مهم تحقیق وی، روشی است که در محاسبه ظرفیت بالقوه زکات به کار گرفته است.

زمانی فر (۱۳۸۲) به بررسی توانایی زکات بالقوه در رفع فقر استان های تهران، سمنان، اصفهان، مرکزی، چهارمحال و بختیاری، بوشهر و ایلام پرداخته و به این نتیجه

رسیده است که مقایسه درآمدهای حاصل از زکات بالقوه دلالت بر آن دارد که این درآمد به تنهایی برای رفع فقر استان‌های موردنظر کفایت نمی‌کند. از این‌رو، استفاده از درآمدهای دیگری از جمله مالیات ضروری است.

عسکری (۱۳۸۴) به مقایسه تحلیلی آثار اقتصادی زکات و مالیه تورمی پرداخته است. او همچنین به بررسی انحصار زکات در موارد نه‌گانه پرداخته، و به این نتیجه رسیده است که منابع زکات محدود به موارد نه‌گانه نیست و همه اموال را شامل می‌شود، مگر آن‌که دلیل خاصی برای تخصیص داشته باشیم مانند محصولات فاسدشدنی، اما حاکم حق می‌تواند در زمان‌های مختلف گروهی از اموال را مورد عفو قرار دهد، زیرا زکات از آن اوست. ویژگی مهم تحقیق وی، این است که مسأله زکات را به‌طور مبسوط و مستدل از نگاه فقهای شیعه و سنی مورد بحث و بررسی قرار داده و در هر قسمت نتیجه‌گیری کرده است.

گیلک حکیم‌آبادی (۱۳۸۵) با مطالعه موردی استان گلستان، به بررسی تأثیر زکات (گندم و جو) در کاهش فقر پرداخته است. نتیجه تحقیق او نشان می‌دهد که اگر زکات با درایت و مدیریت گردآوری و هزینه شود، قادر به تأمین مالی گروه بزرگی از فقرا است. ویژگی مهم این تحقیق، طرح مباحث اساسی فقهی اقتصادی زکات، به‌ویژه در برآورد صحیح و همچنین مصارف آن است.

کیاءالحسینی (۱۳۸۷) ضمن طرح بحث‌های فقهی مربوط به زکات فطره و با توجه به اطلاعات موجود، مبلغ ریالی آن در سطح خانوارهای شهری و روستایی در هر دهک درآمدی (هزینه‌ای) و همچنین در سطح ملی را برای دوره‌ی زمانی ۱۳۷۰-۱۳۸۵ برآورد کرده است. وی به این نتیجه رسید که زکات فطره به‌تنهایی برای رفع فقر کفایت نمی‌کند و لازم است که برای رفع فقر از منابع دیگری استفاده شود. رسیدن به چنین نتیجه‌ای بسیار طبیعی است چون در احادیث اهل بیت (ع) آن‌چه برای رفع فقر کفایت می‌کند زکات است و زکات فطره یکی از اقسام زکات است و بنابراین شامل خمس و زکات موارد نه‌گانه نیز می‌شود.

اسماعیل پور دره (۱۳۸۷) به ارائه الگوی مناسب مؤسسات مالی زکات در ایران پرداخته است و افزایش بهره‌وری در حوزه‌های مرتبط به زکات را مستلزم ایجاد

مؤسسات مالی زکات در کشور دانسته است و در واقع نقش عامل سازمان را در انگیزه پرداخت زکات مورد توجه قرار داده است.

عسکری و کاشیان (۱۳۸۹) آزمون بسندگی زکات و خمس در تأمین حداقل معیشت خانوارهای نیازمند در اقتصاد ایران طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷ را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که در سالهای اخیر درآمدهای خمس و زکات آنقدر زیاد بوده که برای رفع فقر در جامعه کفایت می‌کرده است.

منور اقبال درباره اثر زکات بر مصرف کل، دیدگاه‌ها و استدلال‌های آصف (۱۹۸۵م.) و متوالی (۱۹۸۱م.) را مبنی بر این که میل نهایی و متوسط به مصرف در اقتصاد اسلامی بیشتر از اقتصاد سکولار است، بررسی نموده و معتقد است که دیدگاه‌های آصف و متوالی مبتنی بر دو فرض است: اولین فرض این است که میل نهایی به مصرف دریافت‌کنندگان زکات بالاتر از میل نهایی به مصرف پرداخت‌کنندگان زکات است. فرض دوم این است که در اقتصاد اسلامی تنها افراد فقیر زکات دریافت می‌کنند. منور اقبال فرض اول را می‌پذیرد و آنرا تقویت می‌کند و به فرض دوم اشکال وارد می‌کند و به اعتقاد وی، می‌توان مدل را به این گونه اصلاح کرد که تنها بخشی از زکات را فقیران دریافت می‌کنند و بخشی دیگر به مصارف دیگر از قبیل کارگزاران جمع‌آوری زکات، مؤلفه‌القلوب، آزاد نمودن بردگان، در راه ماندگان و فی سبیل‌الله اختصاص می‌یابد و این‌ها لزوماً فقیر نیستند. پس بخشی از زکات دوباره به گروه اغنیا یعنی پرداخت‌کنندگان زکات بر می‌گردد (Iqbal, 1985, pp.48-60).

منذر قحف با بررسی میزان تأثیر اتخاذ رأی فقهی در مقاله «زکات و مخارج واجب در اسلام»، دیدگاه‌های موجود در میان علمای اهل سنت را به سه دسته تقسیم می‌کند. دسته اول را دیدگاه سنتی می‌داند که زکات را تنها بر چهار قلم پول طلا و نقره، مال التجاره، احشام سه‌گانه و غلات چهارگانه واجب می‌داند، وی دسته دوم را دیدگاه شیخ قرضاوی می‌داند که یکی از علمای مشهور در جهان اهل سنت به‌خصوص در مسأله زکات است. در این دیدگاه دو قلم دیگر به اموال مورد تعلق زکات اضافه شده است. این دو قلم عبارتند از درآمد ناشی از نیروی کار که شامل همه انواع نیروی کار اعم از پیشه‌وری، حقوق‌بگیری رسمی یا مستمری‌بگیری غیررسمی است و نیز

بازدهی دارایی‌های حقوقی، این دو قلم با نرخ ۵ درصد عایدی ناخالص و یا ۱۰ درصد عایدی خالص مشمول زکات هستند. دسته سوم به نظر مندر قحف نظریه‌ای است که در بین نسل جوان‌تر فقها مشهور است و همه موارد ثروت و درآمد را در بر می‌گیرد (Kahf, 1998, pp.528-530).

ابراهیم اثر توزیع زکات بر توزیع درآمد فقرا و نیازمندان دریافت‌کننده زکات در سالانگور مالزی با استفاده از داده‌های سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۰۲ را بررسی کرد. وی در این تحقیق نشان داد که توزیع زکات طوری مدیریت شده است که نرخ فقر را از ۶۲ درصد به ۵۱ درصد کاهش داده است. شکاف (فاصله) فقر از ۳۱۵ به ۲۸۱ کاهش یافته بود در حالی که فاصله توزیع درآمد از ۵۹ درصد به ۵۳ درصد کاهش یافته بود. شاخص سن که فشار فقر را از طریق اندازه سطح رفاه اجتماعی نشان می‌دهد از ۰/۴۷ به ۰/۳۲ کاهش یافته بود، شاخص FGT از ۰/۲۷ به ۰/۱۷ در سالانگور کاهش یافته بود. کاهش فقر و نابرابری درآمد، افزایش درآمد دریافت‌کنندگان زکات و همچنین افزایش مصرف عمومی را نشان می‌دهد (Ibrahim, 2007).

شیرازی درباره اثر انفاق در کاهش فقر مناطق شهری و نیز مناطق روستایی پاکستان، تحقیقی انجام داد. وی دریافت که وجوه انفاق، فقر را ۳/۷۸ درصد در مناطق شهری ۲/۰۶ درصد در مناطق روستایی کاهش داده و در سطح کل پاکستان، سطح فقر را ۲/۱۶ درصد کاهش داده است. موضوع مهم‌تر این است که انفاق توانسته است فاصله فقر و شدت شاخص فقر را کاهش دهد. فاصله فقر به میزان ۴/۱۶ درصد و شدت فاصله فقر به میزان ۸/۶۲ درصد در کل پاکستان کاهش یافته است. بنابراین کاهش فقر، بر افزایش مصرف عمومی به‌خصوص مصرف فقرای دریافت‌کننده زکات و انفاق اثر می‌گذارد (Shirazi, 1994).

مت‌والی رفتار مصرفی در کشورهای مسلمان را با استفاده از داده‌های یک نمونه از ۲۴ کشور مسلمان از سال ۱۹۷۹ تا سال ۱۹۸۹ را مورد بررسی قرار داد. کشورهای مسلمان در این تحقیق کشورهایی هستند که جمعیت آن‌ها حداقل ۵۰ درصد مسلمان هستند. او الگوی اقتصادسنجی مصرف عمومی درآمد و قیمت‌های جاری را مورد بررسی و آزمون قرار داد و بهترین تحلیل رگرسیون از ۱۲ مدل و همچنین ۵ فرضیه

آزمون یعنی فرضیه درآمد مطلق، فرضیه درآمد دائمی، فرضیه درآمد نسبی، فرضیه درآمد در طول عمر و فرضیه مصرف متعاقب^۳ را انجام داد. نتایج تحلیل متوالی نشان داد که رفتار مصرف عمومی در ۷ کشور مسلمان از طریق فرضیه درآمد دائمی درباره مصرف به نحو عالی توضیح داده شده در حالی که در ۱۷ کشور دیگر به طور کامل از طریق رفتار فرضیه مصرف متعاقب توضیح داده شده است. محدودیت این مدل، اجرای قوانین اسلامی در این کشورهای مسلمان است (Metwally, 1995).

سوپرایتنو و همکاران اثر زکات بر مصرف عمومی در ۱۱ ایالت مالزی از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۰۸ میلادی با استفاده از داده‌های پنل را مورد بررسی قرار دادند. داده‌های مورد استفاده تحقیق، داده‌های جمع‌آوری و توزیع زکات در ایالت‌های مختلف مالزی، هزینه خانوار و درآمد سرانه بودند. نتایج تحقیق نشان داد که توزیع زکات در سطح خطای ۱ درصد با ضریب ۰/۳۶ به‌طور معناداری دارای اثر مثبت بر مصرف عمومی است به این معنا که اگر زکات به میزان ۱ درصد افزایش یابد آنگاه مصرف عمومی به میزان ۰/۳۶ افزایش می‌یابد. این تحقیق نشان می‌دهد که توزیع زکات در مالزی، توان اثرگذاری بر مصرف عمومی مسلمانان مالزی اعم از پرداخت‌کنندگان زکات و دریافت‌کنندگان زکات را دارد اما، فرض مبتنی بر این که «میزان توزیع زکات اثر بسیار زیادی بر مصرف خواهد داشت» تأیید نمی‌شود.

نتایج این تحقیق با تحقیقات نظری که اظهار می‌کنند «میل نهایی به مصرف فقرا همیشه به نسبت میل نهایی ثروتمندان بیشتر است» سازگاری ندارد. به‌طور کلی، نتایج تحقیق نشان داد که اثر زکات بر مصرف کم و کوتاه‌مدت است اما، چون در کشور مالزی روش‌های متعدد توزیع زکات از جمله پرداخت‌هایی که موجب ایجاد کار و سرمایه می‌شود، وجود دارد، بنابراین پرداختی زکات بسیار بیشتر از آن چیزی است که انتظار می‌رود (Suprayitno & et al, 2013).

۳. متدولوژی

هدف این تحقیق، شناسایی اثر توزیع زکات بر مصرف عمومی در ایران است. در ابتدا، تابع مصرف با فرض عدم وجود زکات بر اساس معادله شماره (۲) تخمین زده می‌شود.

سپس، در ادامه بر اساس مدل متوالی (Metwally, 1995) و با استفاده از مدل اقتصاد اسلامی ایجاد شده که در معادله شماره (۷) به شرح زیر بیان می‌شود:

$$C = c + amY - azY - avY + bY - bmY + bzY + bvY \quad (14)$$

با توجه به مدل ایجاد شده توسط متوالی و با فرض این که نرخ بهره و توزیع مالیات در این اقتصاد وجود ندارند در این راستا، از متغیر نرخ بهره و مالیات در این تحقیق استفاده نشده است. معادله شماره (۷)، مدل مورد استفاده برای آزمون این فرضیه است که آیا توزیع زکات روی مصرف عمومی اثرگذار است. برای تعدیل ضرایب مدل مذکور، مدل مصرف در این تحقیق به شرح زیر بیان می‌شود:

$$\ln pc_{it} = b_0 + b_1 \ln DY_{it} + b_2 \ln Z_{it} + \mu_{it} \quad (15)$$

که در آن t سال، i استان‌های ایران (از ۱ تا ۳۰)، PC مصرف عمومی جامعه، DY درآمد قابل تصرف (درآمد منهای زکات) و Z توزیع پول زکات در هر استان است.

۴. شرح داده‌ها

داده‌های این تحقیق شامل مصرف سرانه خانوار و درآمد سرانه خانوار از گزارشات هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران، استخراج شده است. داده‌های مورد استفاده متغیر زکات نیز از گزارشات ستاد زکات کل کشور جمع‌آوری شده است. داده‌های تحقیق نیز به صورت داده‌های ترکیبی (پنل دیتا) هستند که هم داده‌های سری زمانی طی سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۹۰ و هم ۳۰ استان کشور را شامل می‌شوند. حوزه داده‌های گردآوری شده، ۳۰ استان ایران را شامل می‌شود و چون استان البرز اخیراً به استان تبدیل شده است و داده‌های مربوط به آن موجود نمی‌باشد، از قلمرو این تحقیق حذف گردیده است.

در طی دوره تحقیق بیشترین میزان افزایش پرداخت زکات به استان کردستان تعلق دارد و از مبلغ ۷۲ میلیون ریال در سال ۱۳۸۳ به مبلغ ۶۷۹۹۸ میلیون ریال در سال ۱۳۹۰ (۹۴۴/۴۲ برابر) افزایش یافته است و در طی این دوره کمترین افزایش پرداخت زکات به استان قم اختصاص دارد که از ۳۲۴ میلیون ریال به ۱۳۲۱ میلیون ریال (۴/۰۸ برابر) افزایش یافته است. این در حالی است که درآمد زکات کل کشور از ۱۲۴۱۶ میلیون ریال به ۸۰۱۲۶۰ میلیون ریال (۶۴/۵۳ برابر) افزایش یافته است. همچنین در طی

دوره تحقیق، بیشترین افزایش درآمد سرانه ناخالص پولی خانوار به استان هرمزگان تعلق دارد که $3/8$ برابر افزایش یافته در حالی که کمترین افزایش متعلق به استان ایلام است که $2/66$ برابر افزایش یافته است. در مورد هزینه‌های ناخالص سرانه خانوار، بیشترین افزایش در طی دوره تحقیق مربوط به استان قم با $3/86$ برابر و کمترین افزایش نیز مربوط به استان بوشهر است که فقط $2/3$ برابر افزایش یافته است.

۵. تخمین مدل تحقیق

۵-۱. بررسی مانایی متغیرها

یکی از مهم‌ترین ملاحظات در اقتصادسنجی سری‌های زمانی، موضوع مانایی متغیرهای مدل است. استفاده از متغیرهای ناپایا در مدل‌های رگرسیونی منجر به کاذب‌شدن آن رگرسیون‌ها می‌شود و معناداری کلی رگرسیون را بی‌دلیل افزایش می‌دهد؛ از این‌رو بررسی مانایی متغیرها قبل از تخمین مدل امری ضروری است. آزمون ریشه واحد یکی از معمول‌ترین آزمون‌هایی است که برای تشخیص مانایی یک فرآیند سری زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. معمولاً تفاضل‌گیری (یک بار یا بیشتر) یک سری نامانا را مانا می‌سازد. یک سری زمانی نامانا که با d بار تفاضل‌گیری به یک سری زمانی مانا تبدیل می‌شود، دارای درجه مانایی d می‌باشد و با $I(d)$ نمایش داده می‌شود.

در تحقیق حاضر، برای بررسی مانایی متغیرها، از آزمون‌های ADF و PP استفاده شده است که نتایج آن در سطح و تفاضل مرتبه اول در جدول ۱ ارائه شده است. آماره‌ها نشان می‌دهند که همه متغیرها در سطح نامانا و در تفاضل مرتبه اول مانا می‌شوند، اما چون از حیث نظری استفاده از تغییرات مصرف و درآمد در مدل قابل قبول نمی‌باشد لذا مشروط به هم‌انباشتگی متغیرها و وجود رابطه بلندمدت امکان تخمین تابع مصرف بر روی سطح متغیرها وجود دارد. برای آزمون هم‌انباشتگی از روش انگل-گرنجر تعمیم یافته استفاده شده است که بر این اساس، می‌بایستی جملات پسماند مدل در سطح مانا باشند. آماره ADF برای سری پسماندهای مدل نشان از مانایی این سری دارد. لذا، مدل در بلندمدت هم‌انباشته بوده و امکان تخمین متغیرها در

سطح وجود دارد. نتایج حاصل از بررسی مانایی متغیرها و ضرایب مربوطه در جدول ۱ و نتایج حاصل از بررسی مانایی پسماندهای مدل در جدول ۲ ارائه شده است:

جدول ۱. آزمون ریشه واحد دیکی - فولر برای متغیرها

I(1)		I(0)		متغیرها
PP	ADF	PP	ADF	
۱۷۴/۶۹۳	۸۵/۳۲۰۱	۱۳/۹۸۵۲	۲۱/۴۴۸۸	مصرف سرانه (PC)
۱۱۹/۹۳۱	۴۴/۶۳۲۰	۱۷/۵۵۹۷	۱۷/۴۸۳۲	زکات سرانه (Z)
۲۰۳/۲۰۸	۹۷/۴۰۶۲	۲۲/۱۸۰۷	۱۴/۹۰۰۷	درآمد سرانه
۱۹۵/۳۷۹	۹۵/۷۷۲۲	۲۱/۹۳۳۰	۱۴/۵۸۸۱	درآمد قابل تصرف (DY)
همه متغیرها با تفاضل مرتبه اول مانا هستند.		همه متغیرها در سطح نامانا هستند.		نتیجه

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۲: آزمون ریشه واحد دیکی - فولر برای پسماندهای مدل

I(0)		متغیرها
PP	ADF	
۶۵/۲۷۴۷	۵۳/۱۹۲۲	پسماندهای مدل
۰/۰۰۷۰	۰/۰۰۷۹	Prob
پسماندهای مدل در سطح مانا هستند.		نتیجه

مأخذ: محاسبات تحقیق

۲-۵. تخمین اثر زکات بر مصرف عمومی

ابتدا با فرض عدم وجود زکات، تابع مصرف کشور بر اساس رابطه معادله شماره (۲) تخمین زده می‌شود که نتایج تخمین این مدل به شرح جدول ۳ می‌باشد. در ادامه با فرض وجود زکات، تابع مصرف بر اساس معادله شماره (۱۵) تخمین زده می‌شود که

نتایج تخمین این مدل نیز به شرح جدول ۴ می‌باشد. در مدل مصرف این تحقیق، همه متغیرهای وابسته و مستقل با استفاده از تبدیل لگاریتمی تغییر یافته‌اند. متغیرهای مستقل شامل درآمد سرانه خانوار پس از کسر زکات سرانه خانوار و نیز زکات سرانه خانوار هستند و متغیر وابسته مدل نیز هزینه سرانه خانوار است. برای تخمین تابع مصرف با فرض عدم وجود زکات نیز متغیر مستقل درآمد سرانه خانوار و متغیر وابسته هزینه سرانه خانوار است. نتیجه تخمین مدل مصرف و معادله آن با فرض عدم وجود زکات به شرح زیر است.

جدول ۳. ضرایب تابع مصرف با فرض عدم وجود زکات

متغیر	ضرایب	t-statistic	Prob
C	۶/۳۸۲۶۳۶	۴/۹۰۶۲۰۷	۰/۰۰۰۰
LOG(Y)	۰/۶۶۳۶۸۳	۹/۱۸۴۵۰۶	۰/۰۰۰۰
R-Square	۰/۹۹۹۰۶۸		
Adj. R-Squared	۰/۹۹۹۰۶۴		
F-statistic	۲۵۱۸۰۱/۵		
Prob (F-Stat)	۰/۰۰۰۰۰۰		
Durbin-Watson stat	۲/۰۵۰۲۸۰		

$$\ln pc_{it} = 6.3826 + 0.66368 \ln Y_{it}$$

(4.906) (9.1845)

$$R^2 = 0.99 \quad F = 251801.5$$

همان‌طوری که در جدول ۳ و معادله تابع مصرف با فرض عدم وجود زکات مشاهده می‌شود، آماره F نشان می‌دهد که متغیر مستقل در سطح خطای ۵ درصد بر مصرف عمومی اثر می‌گذارد. مقدار R^2 معادله رگرسیون در سطح بالا یعنی ۹۹٪ قرار گرفته است که نشان می‌دهد تغییر رفتار متغیر وابسته با استفاده از متغیر مستقل این مدل به میزان ۹۹ درصد توضیح داده شود و یک درصد باقی‌مانده توسط متغیرهای مستقل خارج از این مدل بیان می‌شود.

نتیجه تخمین مدل مصرف و معادله آن با فرض وجود زکات نیز به شرح زیر است.

جدول ۴. ضرایب تابع مصرف با فرض وجود زکات

متغیر	ضرایب	t-statistic	Prob
C	۶/۹۱۴۸۲۸	۴/۳۰۴۹۶۵	۰/۰۰۰۰
LOG(DY)	۰/۶۱۳۲۵۱	۶/۲۴۲۱۲۴	۰/۰۰۰۰
LOG(Z)	۰/۰۴۲۵۸۰	۲/۱۵۸۷۴۲	۰/۰۳۱۹
R-Square	۰/۹۹۸۵۸۵		
Adj. R-Squared	۰/۹۹۸۵۷۳		
F-statistic	۸۱۸۵۹/۷۳		
Prob (F-Stat)	۰/۰۰۰۰۰۰		
Durbin-Watson stat	۱/۹۰۰۶۳۷		

$$\ln pc_{it} = 6.9148 + 0.613 \ln DY_{it} + 0.0426 \ln Z_{it}$$

$$(4.305) \quad (6.242) \quad (2.159)$$

$$R^2 = 0.99 \quad F = 8185973$$

آماره F معناداری کلی رگرسیون را در سطح خطای ۵ درصد تأیید می‌کند. مقدار R^2 معادله رگرسیون در سطح بالا یعنی ۹۹٪ قرار گرفته است که نشان می‌دهد تغییر رفتار متغیر وابسته با استفاده از متغیرهای مستقل در این مدل به میزان ۹۹ درصد توضیح داده شود و یک درصد باقی‌مانده توسط متغیرهای مستقل خارج از این مدل بیان می‌شود. توزیع زکات در تحلیل بالا نشان می‌دهد که در سطح خطای ۵ درصد با ضریب ۰/۰۴ به‌طور معناداری دارای اثر مثبت است، به این معنا که اگر زکات به میزان ۱ درصد افزایش یابد آنگاه مصرف عمومی به میزان ۰/۰۴ درصد افزایش می‌یابد. این تحقیق نشان می‌دهد که توزیع زکات در ایران، توان اثرگذاری بر مصرف عمومی اعم از پرداخت‌کنندگان زکات و دریافت‌کنندگان زکات را دارد.

تحلیل نتایج تحقیق توزیع زکات در بالا نشان می‌دهد که توزیع زکات اثر مثبتی بر مصرف عمومی دارد اما اثر آن به‌طور مشخص ۰/۰۴ است یعنی منظور این است که فرض ما مبنی بر این که «میزان توزیع زکات اثر بسیار زیادی بر مصرف خواهد داشت» تأیید نمی‌شود. نتایج این تحقیق با تحقیقات نظری که اظهار می‌کنند «میل نهایی به مصرف فقرا همیشه به نسبت میل نهایی ثروتمندان بیشتر است» سازگاری ندارد.

به‌طور کلی، دو نتیجه از تحلیل نتایج می‌توان استنباط کرد: اول اینکه تعیین اثر زکات بر مصرف عمومی بر اساس ضریب متغیر زکات که ۰/۰۴ درصد است نشان می‌دهد که استان‌های ایران توانایی کافی برای بهبود نقش توزیع زکات برای مصرف عمومی ندارند. با توزیع زکات فقط امکان دارد بخش کوچکی از افراد مستحق بهره‌مند شوند و اثر وسیعی بر مصرف عادلانه طیف گسترده ندارد بلکه فقط برای تأمین مستمر مصارف جزئی کفایت می‌کند و یک افزایش ایده‌آل در مصرف به اندازه‌ای که فقر را کاهش دهد محسوب نمی‌شود و نمی‌تواند وضعیت افراد مستحق را به وضعیت فرد پرداخت‌کننده زکات تغییر دهد.

دوم اینکه، اگر این مبالغ بخش کوچکی از زکات توزیعی باشد اثر کم آن منطقی است، چون زکات فقط برای نیازهای اساسی مصرف و توزیع نمی‌شود بلکه برای نیازهای دیگر هم پرداخت می‌شود، مثلاً علاوه بر کمک مالی برای مصرف، روش‌های دیگری برای مساعدت مانند کمک به ساختمان‌سازی، کمک مالی بهداشت و درمان، کمک‌های غذایی ماهانه، کمک در شهریه مدرسه، کمک‌های آموزشی، کمک‌های دانشجویی و غیره وجود دارد.

بنابراین، اثر زکات توزیع شده روی مصرف کم است و ممکن است که به دلیل این واقعیت باشد که فقرا و نیازمندان به عنوان دریافت‌کنندگان زکات علاوه بر دریافت زکات برای مصارف اساسی دیگر روش‌های مساعدت مانند کمک آموزشی بچه‌ها، کمک مالی برای شهریه مدرسه بچه‌ها و غیره را دریافت می‌کنند یعنی فقرا و نیازمندان ممکن است بیشتر از یک نوع کمک و مساعدت مالی را به‌دست آورده باشند به عبارتی بین آن‌ها زکات گسترده‌ای توزیع شده است.

جمع بندی

در این تحقیق به بررسی اثر توزیع زکات بر مصرف عمومی پرداخته شده است. بر این اساس، ابتدا رابطه درآمد سرانه خانوار و مصرف سرانه خانوار با فرض عدم وجود زکات و پس از آن با فرض وجود زکات مورد بررسی قرار گرفته است. توزیع زکات بر مصرف عمومی اثر می‌گذارد اما، علی‌رغم اینکه از لحاظ نظری میل به مصرف دریافت‌کنندگان زکات به نسبت پرداخت‌کنندگان آن بیشتر است، اثر آن بسیار کم است. علاوه بر این، از لحاظ نظری توزیع زکات فقط برای تأمین نیازهای اساسی کفایت می‌کند در حدی که نیازهای فعلی آن‌ها را برطرف سازد.

اگرچه براساس این تحقیق فقط ۰/۰۴ درصد زکات توزیع شده برای مصرف انتقال داده می‌شود اما اثر توزیع زکات بسیار گسترده‌تر است چون که فقرا و نیازمندان سایر کمک‌های مالی را به شکل کمک به ساختمان‌سازی، کمک مالی بهداشت و درمان، کمک‌های غذایی ماهانه، کمک در شهریه مدرسه، کمک‌های آموزشی، کمک‌های دانشجویی و غیره دریافت می‌کنند. می‌توان گفت توزیع زکات در ایران برای دستیابی به این هدف که نیازهای اساسی تأمین شود به صورت فراگیر صورت گرفته است.

بنابراین، علاوه بر کمک برای اهداف مصرفی، روش مؤثرتر کمک این است که کمک‌ها اثرات بلندمدتی را فراهم کنند تا دریافت‌کننده زکات بتواند درآمدهای منظمی را کسب کند و بتواند زکات هم پردازد همان‌طوری که چینی‌ها می‌گویند، بهتر است به آن‌ها قلاب ماهیگیری بدهیم تا اینکه به آن‌ها ماهی بدهیم اثر فزاینده قلاب ماهی‌گیری (آموزش، سرمایه و ...) از اثر فزاینده ماهی و مانند آن که جنبه مصرفی، موقتی و کوتاه‌مدت دارند، بیشتر است. این رویکرد می‌تواند بیکاری را کاهش دهد، سرمایه‌گذاری را افزایش دهد، روی کاهش فقر اثر می‌گذارد و در نتیجه پرداخت زکات افزایش می‌یابد چون فقرا و محرومان که زکات دریافت می‌کنند، اکنون خود تبدیل به پرداخت‌کننده زکات می‌شوند. هدف اصلی توزیع زکات در واقع هم همین است که وضعیت دریافت‌کنندگان زکات به پرداخت‌کننده زکات تغییر یابد و استانداردهای زندگی ارتقا یابد.

یادداشت‌ها

1. prudent goods
2. the absolute income hypothesis by Keynes
3. pursuit consumption hypothesis

کتابنامه

- اسماعیل پور دره، مهدی (۱۳۸۷)، «الگوی مناسب مؤسسات مالی زکات در جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- البروجردی، حسین (۱۳۹۹ق)، جامع احادیث الشیعة، ج ۸، قم: المطبعة العلمية.
- ثامنی کیوانی، فرشاد (۱۳۷۷)، «محاسبه ظرفیت بالقوه زکات در اقتصاد ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵)، ترجمه تحریرالوسیله، جلد اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول.
- زمانی فر، حسین (۱۳۸۲)، «ارزیابی توان فقرزدایی زکات در برخی از استان‌های منتخب»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران.
- الطباطبائی الیزدی، محمدکاظم (۱۳۶۳ش)، العروة الوثقی، ج ۲، تهران: المكتبة العلمية الاسلامية، الطبعة الثالثة.
- عسکری، محمدمهدی (۱۳۸۰)، «تحلیل نظری نقش دولت اسلامی در قبال زکات»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۱۳ و ۱۴، صص ۱۰۳-۱۲۵.
- همو (۱۳۸۴)، تحلیل نظری زکات، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
- همو و کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۸۹)، «آزمون بسندگی زکات و خمس در تأمین حداقل معیشت خانوارهای نیازمند در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷»، مجله معرفت اقتصادی، سال دوم، شماره اول، صص ۵-۳۴.
- کیاءالحسینی، سید ضیاءالدین (۱۳۸۷)، «نقش زکات فطره در فقرزدایی، مطالعه موردی ایران ۱۳۸۵-۱۳۷۰»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۳۱، صص ۲۱۳-۲۴۸.
- گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی (۱۳۸۵)، «بررسی توان زکات گندم و جو در کاهش فقر، مطالعه موردی استان گلستان»، فصلنامه مفید، شماره ۵۴، صص ۱۱۰-۱۲۲.

- لاجوردی، عدنان (۱۳۷۱)، «نقش زکات در نظام اقتصاد اسلامی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، چاپ دوم، جلد ۷۴.
- مولایی، محمد (۱۳۷۱)، «ملاحظات پیرامون ابزارها و سیاست‌های توازن ثروت در سیستم اقتصادی اسلام»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- Afzal ur Rahman (1974), *Economic Doctrine of Islam*, Jil 2, Islamic Publication Ltd, Lahore.
- Ahmad, A. (1987), *Income Determination in an Islamic Economy*, King Abdulaziz University Research in English Series, Jeddah, No. 25, pp.15-27.
- Branson, W. H. (1989), *Macroeconomic Theory and Policy*, Harper and Row, Cambridge.
- Hasan Al Banna. (1997), *Risalah Pergerakan Ikhwanul Muslimin*, Intermedia, Jakarta, pp.38-40.
- Hicks, J. R. & Allen R. G. D. (1934), "A reconsideration of the theory of value", *Economica*, Vol. 1, No. 1, pp.52-76.
- Ibrahim, P. (2007), "Peranan agihan zakat dalam meningkatkan tahap ekonomi ummah", Paper Presented in Konvensyen Zakat dan Cukai Peringkat Kebangsaan, Kuala Lumpur, Malaysia, 2007.
- Iqbal, Munawar (1985), "Zakah, Moderation, and Aggregate Consumption in an Islamic Economy", *Journal of Research in Islamic Economics*, Jeddah, Vol. 3, No. 1, Summer, pp.45-61.
- Kahf, Monzer (1998), *Zakah and Obligatory Expenditures in Islam - in: Lessons In Islamic Economics*, Islamic Research and Training Iostitution (IRTI), Islamic Development Bank (IDB), Jeddah: 1418 H/1998 G.
- Id. (1999), "The performance of the institution of zakah: Theory and practice", Paper presented in International Conference on Islamic Economics, Kuala Lumpur, Towards the 21st Century April.26-30.
- Keynes, J. M. (1936), *The General Theory of Employment, Interest and Money*, Macmillan Cambridge University Press, New York.
- Manan, M. Abdul. (1989), *Ekonomi Islam: Teori dan Praktis*, Jil 1: AS, Noordeen, Kuala Lumpur, Malaysia.
- Mankiw, G. (2000), *Teori Ekonomi Makro, alih bahasa Imam Nurmawan*, edisi keempat, Penerbit Erlangga, Jakarta.
- Maslow A. H. (1943), "A Theory of Human Motivation", *Psychological Review*, Vol. 4, No. 50, pp.370-396.
- Metwally, M. M. (1995), *Teori dan Model Ekonomi Islam. Edisi Pertama*, PT. Bangkit Daya Insana, Jakarta.
- Muslehuddin, M. (1970), "Commonwealth of Muslim Countries and the Muslim World Bank", *The Criterion*, Vol. 5, pp.74-94.
- Qardhawi, Y. (1997), *Hukum Zakat*, Litera Antar Nusa, Jakarta.
- Sachs, J. & Larrain, F. (1992), *Macroeconomics in the Global Economy*, Prentice Hall, New York.

- Sadeq, A. H. M. (1987), "Economic Growth in an Islamic Economy", Conference paper in International Seminar on Islamic Economics, Kuliyyah Economics, UIAM.
- Shirazi, N. S. (1994), *An Analysis of Pakistan Poverty Problem and its Alleviation Through Infa*, Doctoral Dissertation International Islamic University Islamabad, Islamabad, Pakistan.
- Siddiqi, M., N. (1988), *Muslim Economic Thinking: A Survey of Contemporary Literature*, The Islamic Foundation, Leicester.
- Suprayitno, E., Abdul Kader, R., & Harun, A. (2013), "The Impact of Zakat on Aggregate Consumption in Malaysia", *Journal of Islamic Economics, Banking and Finance*, Vol. 9, No. 1, pp.39-62.
- Susanto, Ahmad. A. (2002), "Zakat Sebagai Pengurang Penghasilan Kena Cukai: Sebuah Tinjauan Makro Ekonomi", Paper Presented in Simposium Nasional I Sistem Ekonomi Islam, Pusat Pengkajian dan Pengembangan Ekonomi Islam (P3EI) UII, Yogyakarta, pp.13-14.

